

# نقش علم و فناوری در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله و ارتقاء جایگاه ایران در نظام بین‌الملل

دکتر جواد معین‌الدینی  
استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

## چکیده

این مقاله نقش علم و فناوری در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و ارتقا جایگاه ایران در نظام بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله اهداف سند چشم‌انداز در جهت توسعه متوازن و پایدار در افق ۱۴۰۴ برای جامعه ایرانی دستیابی به جایگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری در سطح منطقه و تعامل سازنده و موثر با جهان می‌باشد. در این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تئوری توسعه دانش بنیان، ضمن مطالعه نقش علم و فناوری در تحقق اهداف سند چشم‌انداز به بررسی جایگاه ایران در نظام بین‌الملل از ابعاد مختلف پرداخته شده است و این نتیجه حاصل شده که در صورت تدوین و اجرای یک برنامه کامل و دقیق برای رشد علم و فناوری در کشور به‌ویژه علوم نوین، می‌توان به توسعه متوازن و پایدار و ارتقاء جایگاه ایران در نظام بین‌الملل در افق چشم‌انداز نایل شد.

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز، توسعه، علم، فناوری، توسعه دانش بنیان، ایران.

## مقدمه

از دو دهه گذشته تاکنون در مناطق مختلف جهان و بین کشورها، ملت‌ها و سازمان‌ها، چشم‌اندازسازی و داشتن چشم‌انداز<sup>۱</sup> آینده، فرآیند با ارزش و ابزار مدیریتی نوینی را برای اداره جوامع و سازمان‌ها ایجاد کرده است. سند چشم‌انداز بیست ساله ایران به‌عنوان اولین سندی که در پی ترسیم تصویری مطلوب از آرمان‌های قابل دستیابی در یک مدت زمان معین در کشور

مطرح گردیده است در پی تدوین استراتژی بلند مدت کشور در جهت توسعه متوازن و همه جانبه در افق ۱۴۰۴ می‌باشد. بر اساس این سند ایران کشوری توسعه یافته<sup>۱</sup> با جایگاه اول علمی<sup>۲</sup> و فناوری<sup>۳</sup> در منطقه و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل خواهد بود. از جمله ویژگی‌هایی که برای جامعه ایرانی در این چشم‌انداز در نظر گرفته شده است برخورداری از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری، دستیابی به جایگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری در سطح منطقه و تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای و دارای تعامل سازنده و موثر با جهان می‌باشد.

فارغ از میزان تحقق این آرمان‌ها در مدت زمان تعیین شده، حرکت در جهت توسعه متوازن و پایدار برای کشورمان امری ضروری است؛ برای دستیابی به موقعیت مناسب و جایگاه شایسته کشور در منطقه و جهان لازم است عوامل مختلف، روابط میان آن‌ها و میزان اهمیت هر یک از این عوامل با دقت مورد بررسی قرار گیرد در این میان علم و فناوری به عنوان محور اصلی توسعه ملی، به ویژه در قرن بیستم در کشورهای مختلف جهان مطرح بوده و برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در زمینه علم و فناوری سهم مهمی در برنامه‌ها را به خود اختصاص داده است تولید علم و دستیابی به فناوری‌های پیشرفته می‌تواند به عنوان شتاب‌دهنده توسعه همه‌جانبه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده و زمینه ارتقای کشور در نظام بین‌الملل و موجبات تعامل سازنده و موثر ایران را در منطقه و جهان را پدید آورد.

به همین دلیل تلاش می‌شود در این مقاله نقش علم و فناوری در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله و ارتقاء جایگاه ایران در نظام بین‌الملل مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## ۱- چهارچوب تئوریک

سوال اصلی که این مقاله به دنبال پاسخگویی آن است این سوال می‌باشد که:

\* رشد علم و فناوری تا چه میزان در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله و ارتقا جایگاه ایران در نظام بین‌الملل موثر است؟  
و به دنبال آن است که ببیند:

آیا رشد علم و فناوری می‌تواند موجبات توسعه متوازن و پایدار کشور را فراهم آورد؟

\* آیا توسعه متوازن و پایدار کشور می‌تواند ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل را در پی داشته باشد؟

این مقاله در پی اثبات این فرضیه می‌باشد که:

\* رشد علم و فناوری به عنوان محور اصلی می‌تواند توسعه متوازن و پایدار در کشور را شتاب بخشد با توسعه متوازن و پایدار کشور می‌توانیم به دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله و شاهد ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل باشیم.

مطالعات توسعه عمری نیم قرن دارد و به سال‌های دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد. به صورت کلی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم سه تعریف در پژوهش‌های توسعه تفوق بیشتری داشتند. در تعریف اول توسعه با رشد اقتصادی برابر گرفته می‌شد و با افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه در یک کشور اندازه‌گیری می‌شد. اما با مشخص شدن نتایج ناگوار سال‌های اولیه که طی آن هرچند درآمد ملی کشورها به صورت چشمگیری افزایش یافته بود ولی بخش عظیم جمعیت فقیر جوامع هیچ بهره‌ای از آن نبرده بودند، تعریف و پیش فرض‌های نخست کنار گذاشته شد. در تعریف دوم، توسعه با شعار کاهش نابرابری و فقرزدایی همراه بود و توسعه با معیار بهبود شرایط اجتماعی سنجیده می‌شد. در تعریف سوم، علاوه بر تأمین نیازهای اقتصادی، مسایل سیاسی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفت. این تعریف، به دلیل جاذبه‌های خود، به صورت وسیع مورد استقبال قرار گرفت، اما به جهت ابهامات و تنوع، هیچ مقیاس واقعی برای سنجیدن آن وجود نداشت و همین ضعف مآلاً غلبه تعریف دوم را در مطالعات تداوم بخشید.

در مجموع، مراد از توسعه عبارت از روندی است چند بعدی که طی آن جوامع استانداردهای زندگی خود را ارتقا می‌بخشند، نابرابری‌ها را کاهش می‌دهند و فقر را از اعضای خود می‌زدایند. (George, 1988, p. 2-3) در این جا ابتدا به بررسی سه مکتب نوسازی، وابستگی و نظام جهانی که تئوری‌های اولیه توسعه بودند می‌پردازیم و سپس توسعه دانش بنیان را مطرح نموده و در انتها به جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل خواهیم پرداخت.

### ۱-۱- مکتب نوسازی

مکتب نوسازی اولین رهیافت توسعه بود که در عرصه پژوهش مطرح شد. نظریه پردازان نوسازی، توسعه را روندی تکاملی می‌دیدند که با عبور از مراحل مختلف، تمامی جوامع را از سنتی به مدرن تبدیل می‌کند، البته شمار مراحل در نظر نویسندگان مختلف، متفاوت بود. (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۵۸)

در واقع نوسازی عبارت از روندی است که طی آن، جوامع با گذار از مراحل سنتی و ماقبل مدرن و با تبعیت از روند تکاملی و دگرگونی در عرصه تکنولوژی، اقتصاد، نظام اجتماعی و سیاسی هرچه بیشتر شبیه کشورهای توسعه یافته غربی و شمال آمریکا می‌شوند. (گن زیر، ۱۳۶۹، ص ۲۵۲)

از اواخر دهه ۱۹۶۰ به مکتب نوسازی و از جمله به مباحث نظریه پردازان این مکتب درباره جوامع در حال توسعه انتقادات شدیدی شد. بخشی از این انتقادات از سوی نظریه پردازان مرتبط با مکتب وابستگی مطرح شد و بخشی دیگر نیز از سوی نظریه پردازانی مطرح شد که گرچه برخی از چارچوب‌های مکتب نوسازی را قبول داشتند، به تجدید نظر در برخی از آموزه‌های این مکتب دست زدند. (ساعی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۶-۱۹۵)

تجدیدنظرطلبان مکتب نوسازی درباره آموزه‌هایی نظیر یک دستی جوامع مدرن و جوامع سنتی و یکسانی روند نوسازی به‌شکلی که گویا جوامع بر روی «خط یگانه توسعه» جای معینی را اشغال کرده‌اند و به‌سوی هدفی از پیش مشخص شده در حرکت هستند، تردید کردند. (بدیع، ۱۳۷۶، ص ۷۱)

### ۲-۱- مکتب وابستگی

نظریه وابستگی به‌عنوان مکتبی با اندیشه ساختاری - جهان‌گرایی در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد و هدفش تبیین شکاف موجود بین کشورهای ثروتمند و فقیر جهان بود. این نظریه که عمدتاً به‌وسیله تحلیلگران در کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین (اکلا) مطرح شد سریعاً از سوی نویسندگان معطوف به آنکتاد مورد استقبال قرار گرفت. این نویسندگان مخالف تبیین کسانی بودند که توسعه‌نیافتگی جوامع سوم را ناشی از سنت‌های مذهبی - فرهنگی این جوامع به‌عنوان سدی در برابر نوسازی آن‌ها می‌دانستند. (دوئرتی، فالتزگراف، ۱۳۸۴، ص ۳۸۳) نظریه پردازان وابستگی، اگرچه گرایشاتی به مارکسیسم داشتند، لیکن مارکسیست نبودند، زیرا چارچوب نظری آنان برای توسعه و توسعه‌نیافتگی بر مفهوم نظام تولیدی این ایدئولوژی بنا نشده بود. (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۷۰)

مفروض‌های بنیانی مکتب وابستگی عبارتند از:

- ۱- وابستگی، فرآیندی عمومی است که در همه کشورهای جهان سوم قابل اجراست.
  - ۲- وابستگی شرایطی بیرونی است که از خارج تحمیل شده است.
  - ۳- وابستگی وضعیتی عمدتاً اقتصادی است.
  - ۴- وابستگی عبارت از مولفه‌های منطقه‌ای و قطبی‌شدن اقتصاد جهانی است.
  - ۵- وابستگی و توسعه قابل جمع شدن نیستند. (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۷۸-۷۷)
- از دهه ۱۹۷۰ انتقادات بسیاری به نظریه وابستگی شده است. نظریه وابستگی امکان توسعه را تحت شرایط وابستگی امکان‌پذیر نمی‌داند، لکن ظهور کشورهای جدید صنعتی در آسیای خاوری خلاف این وضع را به‌ثبوت رسانیده‌اند. همچنین برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که این نظریه، وابستگی و توسعه‌نیافتگی را دچار ابهام کرده به‌گونه‌ای که عملاً برخی از کشورها مانند کانادا ضمن آن‌که وابسته‌اند، در عین حال توسعه‌یافته نیز هستند. (قوام، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵)

### ۳-۱- مکتب نظام جهانی

مکتب نظام جهانی، عمدتاً با آرا و اندیشه‌های والرشتاین، در نقد ناکارآمدی‌های رهیافت‌های گذشته در پاسخ به تحولات نوین جهانی، با استفاده از تحلیل‌های مکاتب مارکسیسم نو و وابستگی، شکل گرفت.

در این رهیافت، رویدادهای یک کشور خاص، بر آمده از تحولات نظام جهانی به حساب آمده و نقش عوامل داخلی ثانوی تلقی می‌شوند. در این چشم‌انداز باور بر این است که در عصر کنونی، هیچ نظام فئودال و نیز سوسیالیستی وجود ندارد بلکه، در عرصه گیتی، تنها نظام جهانی سرمایه‌داری، واقعیت دارد. (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵-۱۱۴)

به هر صورت از نظر والرشتاین دو نوع نظام جهانی را می‌توان در طول تاریخ شناسایی کرد، نخست امپراتوری‌های جهانی یا تمدن‌های بزرگ قبل از دوران جدید مانند تمدن مصر و روم، و دیگری، نظام‌های اقتصادی جهانی متشکل از کشورهای ملی حاکم و شبکه مستعمراتی آن‌ها نظیر انگلیس و فرانسه. (چیلکوت، ۱۳۷۵، ص ۱۳) کشورها، در درون نظام جهانی، به سه نظام فرعی تقسیم می‌شوند که از حلقه درونی کشورهای محور آغاز و تا بیرونی‌ترین لایه پیرامون کشیده می‌شوند و گروه کوچکی از کشورها گروه واسطه را تشکیل می‌دهند. والرشتاین این گروه از کشورها را "شبه‌پیرامون" خواند. (George, 1988, p.17)

به اعتقاد والرشتاین، برای تعداد کمی از کشورها این امکان وجود دارد که از پیرامون به شبه‌پیرامون و گروه کشورهای محور حرکت کنند.

بر این اساس، تنها راهی که کشورهای جهان سوم می‌توانند توسعه یافته و کامیاب شوند از طریق انقلاب سوسیالیستی جهانی است. در نظام جهانی والرشتاین، جایی برای جنبش‌های ملی و انقلاب‌های کشورها وجود ندارد و این نظری است که از طرف بسیاری از نظریه پردازان وابستگی و نیز مارکسیست‌ها و غیر مارکسیست‌ها رد شده است (George, 1988, 18). این رهیافت نیز در نقدهای متعدد به گرایش مفرط به اقتصاد، تعمیرهای نامربوط، جبرگرایی، نگاه تک عاملی و غفلت از دیگر ابعاد اجتماعی انسان متهم شد. (نصیری، ۱۳۸۴، ۱۱۵)

#### ۴-۱- توسعه دانش بنیان

اگرچه فعالیت‌های انسان از گذشته‌های بسیار دور، عجین با دانش بوده است، اما حدود یک دهه است که با تشدید اهمیت دانش در کسب و کارها و اقتصادهای نوین بالاخص خدماتی شاهد ظهور مفاهیم جامعه‌دانشی (یا دانش‌بنیان) و جامعه یادگیرنده هستیم. این دو مفهوم که تلویحاً معادل هستند به جوامعی اطلاق می‌شوند که دانش، نقش بنیادینی در بخش‌های مختلف آنان بازی می‌کند، به تعبیر دیگر دانش عنصر اساسی سازنده و شکل‌دهنده محتوای اقتصاد، فرهنگ، سیاست و دفاع آنان است. (www.sharifthinktank.com)

نخستین اقتصاددانی که توجهی واقعاً روشمندانه به دشواری‌های دیرآمدگان کرد فردریخ لیست بود. وی در آغاز تحت تأثیر رهبری تکنولوژیکی و اقتصادی بریتانیا طی نخستین انقلاب صنعتی قرار گرفت. لیست بر این باور بود که آلمان هیچ‌گاه بریتانیا را پشت سر نخواهد گذاشت

اما نیم سده پس از آن آلمان در زمینه تکنولوژی‌های آن زمان به بریتانیا رسیده و حتی در زمینه صنایع نو مانند برق و صنایع شیمی آلی از آن کشور جلو زد. برتری آلمان عمدتاً بر پایه نسخه ارایه شده از سوی لیست صورت گرفت.

بخش کانونی آموزه لیست تاکید وی بر نقش تکنولوژی در پیشرفت اقتصادی و در بازرگانی بین‌المللی بود. در واقع، لیست به بازرگانی آزاد اعتقاد داشت ولی بر این باور بود که این ایده‌آل تنها زمانی عملی است که شماری از کشورها تقریباً از نظر ثروت و تکنولوژی برابر باشند. از این روی لیست تاکید ورزید که آلمان باید پیش از هر چیز از نظر تکنولوژی به بریتانیا برسد. (کاپلینسکی، کوپر، ۱۳۷۴، ص ۱۴۰-۱۳۹)

برای اولین بارپل رومر (۱۹۹۰) اقتصاددان برجسته دانشگاه استنفورد، نظریه رشد نوین خود را در برابر نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ارایه کرد. او تصریح کرد که برخلاف نظریه اقتصادی نئوکلاسیک که در آن نیروی کار و سرمایه نقش کلیدی در تولید بازی می‌کنند، دانش به‌عنوان عامل سوم نقش اساسی‌تری در اقتصادهای پیشرفته ایفا می‌نماید. رومر اظهار داشت که دانش یکی از قالب‌های اساسی سرمایه است و رشد اقتصادی پایدار تنها از این طریق اتفاق می‌افتد. ([www.sharifthinktank.com](http://www.sharifthinktank.com))

با توجه به فرارسیدن عصر فراصنعتی و گذر جوامع از انقلاب صنعتی اول (صنعت نساجی) و انقلاب صنعتی دوم (نفت و صنایع وابسته)، الگوی توسعه دانش پایه به تدریج جایگزین سایر الگوهای توسعه شده است.

در الگوی توسعه دانش پایه، الگوی تولید، دیگر تولید انبوه و تولید ناب نیست. بلکه تولید چاپک است. چاپکی نیز در راهبرد، فناوری، سازماندهی و نیروی انسانی تعریف می‌شود. در حقیقت می‌توان اذعان نمود که دگرگونی‌های سریع فناوری‌های نوین ارتباطات و اطلاعات به‌ویژه امکانات جدید توسعه زیرساخت‌ها و دستیابی به فناوری‌های نوین بیوفناوری و نانوفناوری از حوزه‌های اساسی و غیر قابل انکار در روند توسعه جوامع است. (رضایی، دهکردی، ۱۳۸۶، ص ۸۷-۸۶)

#### ۵-۱- جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل

نظام بین‌الملل دارای دو معنای کلی در رشته روابط بین‌الملل یعنی عینی و انتزاعی است. نظام بین‌الملل در معنای عینی آن عبارت است از مجموعه‌ای از دولت‌ها یا بازیگران بین‌المللی که به‌طور منظم در اندرکنش با یکدیگر قرار دارند و در نتیجه تا حدی نسبت به یکدیگر دارای وابستگی متقابل می‌باشند. این نظام تا زمانی که این بازیگران حضور دارند، وجود دارد و تنها زمانی تغییر می‌کند که تعداد بازیگران تغییر نماید یا هویت آن‌ها دگرگون شود. اما نظام بین‌الملل در معنای انتزاعی‌اش عبارت است از مناسبات و فرآیندهایی که میان

مجموعه‌ای از بازیگران در هم تنیده ایجاد شده است. این مفهوم اشاره دارد به الگوهایی که از دل این مناسبات و فرآیندها قابل تشخیص است. این الگوها شامل الگوی قدرت (قدرت واحد، دو قدرت، چند قدرت)، الگوی سیاست‌ها (انقلابی یا معتدل)، سطح و الگوی منازعه، سطح و الگوی دسته‌بندی (میزان قطبی شدن)، و سطح همکاری یا میزان توسعه رژیم‌های بین‌المللی، می‌باشد. در نظام زمانی تغییر حاصل می‌شود که تغییر عمده در یک یا چند تا از این الگوهای اساسی مناسبات به وجود آید، هرچند تعداد بازیگران و هویت‌شان دست نخورده باقی مانده باشد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۲۲)

حال که با نظام بین‌الملل آشنا شدیم باید مشخص شود که تفاوت کشورها به‌عنوان بازیگران نظام بین‌الملل از کجا ناشی شده است.

به‌رغم آن که گوهر وجود بازیگران یکسان است، ولی ذات وجود بازیگران موجب شده تا بازیگری ابرقدرت و قدرت فائقه بین‌الملل باشد و دیگری ریزقدرت باشد بدین منظور لازم است تا قانونمندی‌های این تحولات شناسایی شود تا بتوان منزلت کشور را ارتقا داد. (سیف زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱)

در هر یک از دو حوزه داخلی و خارجی دو دسته از عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود دارند. این عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری می‌توانند به‌عنوان عامل قدرت‌ساز در صعود و افول منزلت کشور نقش ایفا کنند. سه فقره از ملزومات سخت‌افزاری بین‌المللی به اقتضای تحولات محیطی تأثیرات مختلفی بر بازی قدرت و منزلت بازیگران داشته‌اند. در گذشته ساختار نظامی - سیاسی بسیار نقش‌ساز بود. به‌ترتیب ساختار اقتصادی - تکنولوژیک و سپس ساختار فرهنگی - ارتباطی نقش فزاینده یافت.

علاوه بر عوامل سخت‌افزاری، به عوامل نرم‌افزاری داخلی هم باید توجه شود. بدون وجود بلند پروازی فلسفی جهت پیشرفت، نمی‌توان امید به پیشرفت داشت.

در زمینه‌های اقتصادی - تکنولوژیک کشورها به چهار دسته تقسیم می‌شوند: مرکز، شبه مرکز، شبه حاشیه و حاشیه. از لحاظ تجربی می‌توان این چهار دسته کشور را به شرح زیر وصف کرد:

- مرکز، قدرت تولید علم، فن و سرمایه برای تولید قدرت را دارد.
- شبه مرکز، واردکننده علم، تولیدکننده فن و سرمایه برای تولید قدرت است.
- شبه حاشیه، فاقد توان برای تولید علم، ولی دریافت‌کننده فن و سرمایه برای تولید قدرت است.

- حاشیه، فاقد توان برای دریافت علم و فن است این کشور ممکن است منابع خام برای تولید سرمایه باشد و یا فاقد آن باشد.

هرچه یک کشور از ناحیه مرکز دورتر باشد، ناتوان‌تر است. این ناتوانی موجب می‌شود که

به ترتیب تشدیدشونده‌ای از تأثیر نفوذ آن کشور بر محیط داخلی و بین‌المللی کاسته شود. به‌عکس، مرکز در موقعیتی حساس قرار گرفته است که همه قسمت‌های محیط مستقیم و یا با واسطه با آن در ارتباط است. (سیف زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷-۱۱۶)

الگوهای توسعه نیز در روند تکاملی قرار گرفته‌اند. امروزه حتی قطبی‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی در نظریه‌های توسعه ملی به توسعه متوازن در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و تکنولوژیک تبدیل شده است. در این فرآیند تکاملی، الگوی توسعه نیز از الگوی منابع پایه که تکیه آن بیشتر بر منابع طبیعی و قابلیت فیزیکی (سرمایه، زمین، ماشین) و نیروی کار بوده، به الگوی دانش پایه که بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، پژوهش و علم، نوآوری و خلاقیت و تولید کالاهای سبک با ارزش بالا تبدیل شده است. (رضایی، دهکردی، ۱۳۸۶، ص ۸۶)

با توجه به مطالب بیان شده در مورد الگوی توسعه دانش پایه که در حال حاضر الگوی مسلط توسعه می‌باشد برای توسعه پایدار کشورمان نظام ملی نوآوری اهمیتی قاطع دارد و علم و فناوری می‌تواند به عنوان یک عامل نرم‌افزاری در دستیابی کشور به عوامل سخت‌افزاری به‌عنوان عامل قدرت‌ساز در صعود منزلت کشورها، موثر باشد. پس برای دستیابی به توسعه باید در حوزه آموزش و پرورش، پژوهش محوری و علم محوری مدنظر قرارگیرد و علم‌گرایی و علم‌محوری در همه بخش‌ها، باید گفتمان مسلط جامعه باشد و اولویت بعدی، کاربردی کردن علوم و در نظر گرفتن نیازها باشد.

## ۲- چشم‌انداز نویسی در جهان و ایران

پیشینه چشم‌انداز در جهان نشان می‌دهد که این موضوع بسیار جوان و نوظهور بوده و قدمت آن حدود ۳۰ سال است. در دو دهه اخیر، بسیاری از کشورهای بزرگ و در حال توسعه به این موضوع پرداخته‌اند در این جا سعی خواهد شد تا چشم‌انداز برخی از کشورها با تکیه بر نقش علم و تکنولوژی در این چشم‌اندازها که موضوع اصلی مقاله می‌باشد، به‌صورت اجمالی بررسی شود.

### ۲-۱- چشم‌انداز ژاپن

در سال ۱۹۷۰، فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی ژاپن<sup>۱</sup> طرحی را برای خلق ژاپن نوین تحت عنوان ۲۱ فعالیت<sup>۲</sup> پیشنهاد کرد، در ابتدا چشم‌انداز ۲۰۱۰ و سپس چشم‌انداز ۲۰۲۰ و هم‌اکنون ۲۰۲۵ توسط فدراسیون فعالیت‌های اقتصادی ژاپن ارایه شده است.

بخش‌هایی از چشم‌انداز ۲۰۲۵ ژاپن به شرح ذیل است:

\* ملت ژاپن به روند نوآوری‌های خود در کشور خود ادامه خواهند داد اما آن‌ها با بهره‌گیری کامل از منابع تکنولوژیکی در کل جهان هم برای این فرآیند و هم برای اقتصاد جهانی ارزش



افزوده ایجاد خواهند کرد و پذیرش گسترده‌ای از کارشناسان و مهندسان خارجی در شرکت‌ها و موسسات دانشگاهی خواهد داشت. محور اساسی دوم رویکردی جدید به توزیع سرمایه همراه با افزایش سرمایه‌گذاری دولت در تحقیق و توسعه و آغاز فرآیند انتخاب برای پروژه‌های دانشگاهی صنعتی است و رکن اصلی سوم تشدید رقابت با فراهم آوردن اسباب توسعه رقابتی فناوری‌های جدید، کاهش نرخ مالیات شرکت‌ها و تشویق سرمایه‌گذاری از سوی بنگاه‌های ژاپنی و خارجی توسط دولت می‌باشد.

\* ژاپن به دنبال راه‌هایی برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در کل جهان خواهد گشت و استعداد و فناوری‌های ژاپنی را ارزانی خواهد داشت.

\* ژاپن در سال ۲۰۲۵ کشوری است که قدرت خود را مجدداً به دست آورده است و تبدیل به یک سرزمین جذاب برای مردم سراسر دنیا شده است. (www.keidanren.org.jp)

## ۲-۲- چشم‌انداز مالزی

مالزی راه آینده، عنوان سند چشم‌انداز کشور مالزی برای دوره ۲۰۲۰ - ۱۹۹۰ است بخش‌هایی از چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی برای ایجاد یک جامعه مرفه به شرح ذیل است:

\* ایجاد یک جامعه علمی و پیشرو که نوآور و آینده‌نگر است (مشارکت در ایجاد تمدن علمی و فن‌شناختی).

\* اقتصاد متکی بر فناوری و حرکت در مسیر سطوح بالاتر آن.

\* عامل محرکه اقتصاد، نیروی اندیشه، مهارت‌ها و تلاش در تحصیل خواهد بود.

\* دولت با تهیه طرح‌های کمک‌رسانی، ارتقاء سطح دانش مدیریت، فناوری اطلاعات و افزایش مهارت‌های کارکنان، صنایع کوچک و متوسط را ارتقاء می‌بخشد.

\* برای کمک به بزرگ شدن شرکت‌های کوچک و متوسط می‌بایست به رشد کارآفرینان کمک شود و در زمینه فناوری و کارآموزی پشتیبانی‌های زیربنایی داده شود.

\* مالزی نباید از قافله پیشرفت فناوری عقب بماند. فناوری باید وارد مرحله تولید و بازار شود.

\* مالزی باید از نظر اطلاعات غنی شود.

\* دانش اساس قدرت و شالوده رفاه است.

\* سواد کامپیوتری باید افزایش یابد.

هدف مالزی در سال ۲۰۲۰ کشوری کاملاً توسعه یافته است. (رضایی، دهکردی، ص ۱۳۸۶، ۱۲۱)

## ۲-۳- چشم‌انداز ایالت لوئیزیانا آمریکا

چشم‌انداز ۲۰۲۰ ایالت لوئیزیانا از ژانویه سال ۱۹۹۷ تدوین شده است و از عناصر زیر به‌عنوان تحولات اثر گذار بر اقتصاد قرن ۲۱ نام برده است:

- ۱- فناوری
- ۲- حرکت از اقتصاد مبتنی بر نیروی کار به سوی اقتصاد مبتنی بر فناوری
- ۳- خلاقیت
- ۴- عملکرد کارآفرینانه
- ۵- کیفیت و هزینه تولید
- ۶- خرید خدمات<sup>۱</sup>
- ۷- اقتصاد بر پایه تحولات
- ۸- مشارکت

از جمله تکالیفی که این چشم‌انداز ایجاد نموده است عبارتند از:

- ۱- زیر بنای مناسب اطلاعاتی
- ۲- دسترسی به خدماتی از قبیل اطلاعات، فناوری، خدمات مالی و خدمات تجاری
- ۳- گسترش فناوری به آن دسته از شرکت‌های متوسط و کوچکی که فاقد اندازه حیاتی مورد نیاز برای بهبود فناوری خود می‌باشند.

در چشم‌انداز ۲۰۲۰ لوئیزیانا سه هدف آرمانی، در رابطه با علم، اقتصاد و کیفیت زندگی به‌عنوان مؤلفه‌های ساختاری طرح مورد استفاده قرار گرفته است که به قرار زیر است:

نخستین و مهمترین این اهداف، بازآفرینی ایالت فوق به‌عنوان یک مجموعه آموزشی است، یعنی سازوکارهای پیچیده، متنوع و غنی که در آن، فعالیت‌های اقتصادی موسسات و دانشمندان به‌طور فعال درگیر کسب دانش هستند، بر پایه هدف اول هدف دوم اقتصادی ایجاد می‌کند که چرخ‌های آن را، مجموعه‌ای متنوع و شکوفا از صنایع مبتنی بر فناوری بچرخاند.

هدف سوم ایجاد می‌کند که تا سال ۲۰۲۰ این ایالت از نظر شاخص‌های استاندارد زندگی دارای رتبه‌ای بین ۱۰ ایالت برتر آمریکا باشد. ([www.Ided.stat.Iu.us](http://www.Ided.stat.Iu.us))

دلیل این که در این بخش چشم‌انداز ژاپن مورد بررسی قرار گرفت این است که ژاپن نماد یک کشور پیشرفته است که توسعه خود را پس از جنگ جهانی دوم در حالی که تقریباً تمامی زیرساخت‌هایش را از دست داده بود شروع نمود و از این لحاظ به دلیل هشت سال جنگ تحمیلی با ایران شباهت دارد مالزی نیز چون کشوری مسلمان است و در توسعه نیز در چند دهه اخیر موفق بوده است پس می‌تواند الگوی مناسبی برای ایران باشد. چشم‌انداز ایالت لوئیزیانای آمریکا نیز از این جهت در این بخش انتخاب شد که این ایالت از نظر بخش نفت خیز آمریکا تشابه زیادی از نظر توسعه‌نیافتگی نسبت به سایر ایالات آمریکا با درجه توسعه ایران در منطقه دارد.

ارزیابی اسناد سایر کشورها به‌ویژه کشورهایی که تجارب خوبی در رشد و توسعه داشته‌اند نتایج ارزشمندی را در اختیار ما قرار خواهد داد آن چه که در تمامی این چشم‌اندازها به‌وضوح

مشاهده می‌شود توجه ویژه به علم و فناوری در روند توسعه می‌باشد همچنین توسعه انسانی از طریق آموزش، بهبود شاخص‌های بهداشتی و فناوری ارتباطات و اطلاعات یکی دیگر از اهداف این چشم‌اندازها می‌باشد.

#### ۴-۲- چشم‌انداز بیست ساله ایران

خوشبختانه کشور ما نیز همسو با تحولات جهانی، چشم‌اندازی را در افق ۲۰ ساله برگزیده است تا در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی (۲۰۲۵ میلادی) به کشوری توسعه یافته و دارای جایگاه اول اقتصادی و علمی و فناوری در سطح منطقه، توأم با حفظ هویت اسلامی و انقلابی و الهام‌بخش در جهان اسلام همراه با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌المللی تبدیل گردد. این چشم‌انداز بر اساس مطالعات مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول و جهت‌گیری رهبری تصویب و به قوای مختلف ابلاغ گردیده است که در ادامه به تشریح مختصر این چشم‌انداز بر اساس سند موجود می‌پردازیم.

جامعه ایرانی باید در این افق کشوری توسعه یافته در الگویی متناسب با مقتضیات فرهنگی و جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و ملی و انقلابی، با تاکید بر مردم‌سالاری دینی و عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی باشد.

باید تولید ملی آن برخوردار از دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری و متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی باشد یعنی اقتصادی دانش بنیان و فناوری محور شکل گیرد که بتواند با استفاده گسترده و بهره‌ور از منابع انسانی و اجتماعی، سطح رفاه ملی را تا حد یک کشور کاملاً توسعه یافته ارتقا بخشد. رفاه ملی که مستلزم برخورداری از سلامت، امنیت غذایی و تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد و نهاد مستحکم خانواده و به‌دور از فقر و تبعیض و بهره‌مند از محیط زیستی مطلوب است.

در زمینه تعاملات جهانی، باید در جهان اسلام، الهام بخش، فعال و موثر باشد این امر از طریق تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی و توسعه کارآمد، شکل‌گیری جامعه‌ای اخلاقی و نواندیش، پویایی فکری و اجتماعی و تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) میسر می‌گردد و در بعد روابط بین‌الملل نیز باید دارای تعاملی سازنده و مؤثر با جهان بر اساس سه اصل عزت و حکمت و مصلحت باشد.

براساس چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد کشور را می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

اقتصادی دانش‌بنیان و یادگیرنده که در منطقه‌ای شکوفا، حایز برتری و رقابت‌پذیری است و کاملاً توسعه یافته محسوب می‌گردد و دارای ویژگی‌هایی چون رقابت‌پذیری بالا، سرانه درآمد بالای ۳۰ هزار دلار، صادرات محور، دارای قوانین و مقررات شفاف و اجرایی، دارای بهره‌وری

ملی بسیار بالا، مبتنی بر کارآفرینی و نوآوری، نرخ بیکاری زیر ۵ درصد، دارای نرخ تورم اندک و پایدار می‌باشد. در راستای تحقق این چشم‌انداز باید کشور، توسعه و استراتژی توسعه اقتصادی مناسبی را برگزیده و ضمن ایجاد تحول در کشور (در حکومت و در ملت) به گونه‌ای حرکت نماید که بتواند در طول بیست سال به آن دست یابد. (www.sharifthinktank.com)

### ۳- علم و فناوری و توسعه

مقوله علم، بحثی بنیادی در تاریخ بشری است؛ به طوری که شخصیت و هویت انسان با آن رقم می‌خورد. اگر ملتی و مردمی، می‌خواهند والا و شایسته باشند و مقام اول را در جوامع بشری به دست آورند، باید به سراغ علم بروند (طباطبائیان، ۱۳۸۷، ص ۱۲). از سوی دیگر دولت قوی و قدرتمند نیز دولت عالم، فرهنگی و علمی می‌باشد و دولت‌های ضعیف و ناتوان و مردم شکست خورده، دولت‌ها و مردمانی بوده‌اند که با علم و فرهنگ ارتباطی نداشته‌اند و جهل، همه وجود آن‌ها را فرا گرفته بوده است.

در جهان کنونی، علم و فناوری از جایگاه بسیار مهم و راهبردی برخوردار است: شکل‌گیری مفاهیم جامعه و توسعه دانش‌بنیان، گواهی بر این مدعاست و شرایط به گونه‌ای است که در قرن حاضر هر کشوری برای رشد و پیشرفت همه‌جانبه بی‌شک نیازمند طرح و برنامه‌ای مدون در عرصه علم و فناوری می‌باشد. تاریخ فرهنگ و تمدن غنی ایران‌زمین از یک سو و تلفیق مناسب و مؤثر آن با فرهنگ انسان‌ساز اسلامی در هزاره‌ی اخیر از سوی دیگر، تجربه‌ی علمی درخشانی را در سایه‌ی همراهی و هم‌افزایی استعداد ایرانی و انگیزه‌های دینی فراهم نموده است که توجه به این پیشینه‌ی درخشان و هویت اسلامی - ایرانی این سرزمین، سرمایه‌ای عظیم و چراغی فراسوی طراحی و تحقق آینده می‌باشد. (www.iranculture.org)

در جهان پیچیده کنونی، کشورهای در حال رشد برای بقای خود به توسعه‌ای سریع نیاز دارند، در برابر این ضرورت انکارناپذیر، واقعیت هشداردهنده دیگری به ظهور رسیده است که نشان می‌دهد کشورهای نیازمند به توسعه قادر نیستند همان راهی را پیمایند که کشورهای توسعه‌یافته کنونی در طی دو قرن گذشته پیموده‌اند.

در متن این دو واقعیت جهانی، آگاهی از دیدگاه‌های کنونی در زمینه توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، دست‌کم در کشورهای خواهان توسعه امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. خلاصه آن که مساله توسعه و کم و کیف آن تا هر زمان که ضرورت ارتباطها و مناسبات متقابل بین‌المللی مطرح باشد همچنان به‌قوت خود باقی خواهد ماند. (آرگیری، ۱۳۷۴، ص ۷)

آنچه در پرتو تجربه‌های دهه‌های گذشته تحصیل شد، ثابت کرد، هنگامی که با مسایل توسعه در دنیای واقعی سروکار داریم نمی‌توانیم پدیده‌های اقتصادی را از غیراقتصادی جدا کنیم،

ماهیت چند بعدی توسعه به تدریج خود را در مطالعات نشان داده و این که توسعه هم واقعی است مادی و هم حالتی ذهنی که نمی‌توان با رها کردن بخشی از مسئله به نتایج درستی رهنمون شد. به این ترتیب مشخص شد استراتژی توسعه نه تنها مستلزم تسریع رشد اقتصادی است بلکه مستلزم آن است که سطح زندگی مادی گروه‌های بسیار وسیع در جمعیت جهان سوم بهبود یابد (تودارو، ۱۳۷۰، ص ۱۴۰-۱۳۸) در عصر کنونی علم و فناوری عامل بسیار مهمی در توسعه می‌باشد به گونه‌ای که می‌تواند به عنوان موتور محرکه توسعه محسوب شود.

میزانی از اختلاف درآمد و درجاتی از نابرابری در تمامی کشورهای جهان مشاهده می‌شد اما، این اختلاف در کشورهای جهان سوم بسیار وسیع‌تر و به مرز غیر قابل باور رسیده بود. برای مثال، در دهه ۱۹۷۰، در برزیل ۴۰ درصد فقیرترین جمعیت کشور، تنها ۶/۵ درصد از درآمد ملی را دریافت می‌کردند و در مقابل ۶۶/۷ درصد در آمد ملی به وسیله ۲۰ درصد جمعیت تصاحب شده بود. (Elliot, 1994, p.6)

در این شرایط برخی از نظریه پردازان قطع امید کردند و معتقد شدند که توسعه کاملاً از ارزش‌های انسانی جدا شده و در واقع به تله سرمایه‌داری تبدیل شده است که به هر قیمتی باید از آن اجتناب کرد لاتوش نظریه پرداز فرانسوی اقتصاد اجتماعی، توسعه را اسطوره‌ای بی‌فایده و نامعتبر دانست. برخی دیگر از متفکران سعی کردند با نقد تجارب پیشین راهی به سوی آینده باز کنند. (Carmen, 1996, p.196)

کشورهای عقب مانده امروز به اعتبار پژوهش‌های بسیار، به هنگام تهاجم اروپاییان به لحاظ رشد و توسعه، در مراحل کم و بیش یکسانی با کشورهای مهاجم قرار داشتند که در نتیجه تحمل خشن تقسیم کار ناعادلانه جهانی و با محروم شدن از بنیان‌های سنتی اقتصادی و صنعتی خویش در مدتی کوتاه (که در مورد هنر فقط چند دهه طول کشید) (George, 1988, p.19) به یک کشور تامین کننده صرف مواد خام تبدیل شدند. توسعه نیافتگی، واقعیت غیر قابل انکار جوامع در حال توسعه است.

به قول کرن هاوزر این شکاف به دلایل قابل اثبات، وجه تاریخی و فطری نمی‌تواند تلقی شود. (UNESCO, 1998, p.216)

عقب ماندگی آن گونه که وایس جورج در کتاب ارزشمند ثروت، فقر، گرسنگی، توضیح می‌دهد عبارت از فرآیندی است که از دوره توسعه طلبی مرکانتیلیستی کشورهای اروپایی در قرن شانزدهم شروع و در دوران طولانی استعمار، تقویت شد و پس از استقلال سیاسی نیز، تداوم یافت تا کشورهای جهان سوم را به قهقرای امروز رساند. شرایطی ساختاری که از طریق آن، کشورهای توسعه یافته و عقب مانده در رابطه‌ای نابرابر و استعماری، به گونه‌ای جدایی ناپذیر به هم پیوند خوردند (George, 1988, p.15). بد توسعه یافتگی و رشد نامتوازن، واقعیت امروز جهان است و جهان سوم به واقع، عرصه آشکار بحران و توسعه ناپایدار است. (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸)

شواهد نشان می‌دهد که سرعت گسترش تکنولوژی در دو دهه گذشته افزایش یافته است. سه عامل، شتاب انتشار تکنولوژی را فراهم آورده‌اند. نخست آن که، تکنولوژی انتقال و توزیع اطلاعات بهبود یافته است. دوم آن که توان جذب تکنولوژی خارجی بهبود یافته است. سوم آن که شرکت‌های بین‌المللی جوایز بازار، تمایل به انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه دارند. (کاپلینسکی، کوپر، ۱۳۷۴، ص ۶۴)

کمابیش فشار شدیدی به کشورهای در حال توسعه اعمال می‌شود تا بازارهای خودشان را بر روی صادرات و سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر که کاربردهایی به‌سوی پایین در زمینه تکنولوژی نو دارند، باز کنند. همچنین درصدد پذیره‌های نوینی هستند که به آن‌ها دسترسی مزیت‌آمیز به بازار را بدهد و می‌خواهند این کار را از راه ابزارهای مالکیت دانش‌ورانه اجرایی سازند. در همه این زمینه‌ها، پیشگامی در اختیار رهبران تکنولوژی قرار دارد و این در حالی است که بقیه کشورها غالباً در موقعیت دفاعی چانه‌زنی قرار گرفته‌اند. (کاپلینسکی، کوپر، ۱۳۷۴، ص ۱۰۲-۱۰۱)

یکی از الزامات بسط و گسترش تکنولوژی، انتقال تکنولوژی‌های مورد نیاز است. کشورهایی مثل ژاپن بیشترین استفاده را از این راهبرد برده‌اند اما این انتقال آن‌گاه مفید و موثر خواهد بود که هدفمند و برنامه‌ریزی شده صورت پذیرد. در پروژه‌های انتقال تکنولوژی با سرمایه‌گذاری میان‌مدت و بلندمدت ضروری است برنامه‌های اجرایی در چند مرحله انجام شود به‌گونه‌ای که در هر مرحله، سرمایه‌گذاری آن بخش سریع‌اً بازدهی و سودآوری را تأمین نماید.

#### ۴- تقسیم‌بندی تکنولوژیک کشورها و جایگاه ایران

اسناد منتشر شده برنامه توسعه سازمان ملل متحد، با توجه به فرآیندهای اساسی معرفی شده و نمایه پیشرفت فناوری، کشورهای جهان را بر مبنای نوآوری و پیشرفت تکنولوژیک به چهار گروه رهبران تکنولوژیک، رهبران بالقوه تکنولوژیک، اقتباس‌کنندگان پویا و کشورهای در حاشیه تقسیم کرده است. در واقع به صورت آشکار قاعده‌گذاری برای انحصار فناوری در حال شکل‌گیری است، زیرا با بهره‌گیری از فناوری در جوامع، تولید ثروت و ایجاد قدرت (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی) صورت می‌گیرد. کشورهای اقتباس‌کننده که ایران نیز در این گروه جای می‌گیرد در تلاش هستند تا جایگاه علمی و نوآوری خویش را تغییر دهند تا در مجامع جهانی دارای اثرگذاری مناسبی باشند و بتوانند به تولید ثروت و افزایش قدرت مناسب دست یابند.

#### ۵- بررسی جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و منطقه

ارزیابی موقعیت ایران در جهان در مقایسه با مناطق مختلف جهان شامل آسیای شرقی و پاسفیک منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) و کشورهای پردرآمد جهان که در واقع کشورهای

با درجه توسعه‌یافتگی بالا و کل جهان و همچنین موقعیت ایران در منطقه و پیش‌بینی سال ۱۴۰۴ در این قسمت انجام گرفته است. خاورمیانه و شمال آفریقا بدین جهت وارد شده است که کشور ایران در آن واقع شده است. منطقه آسیای شرقی و پاسفیک کشورهای هستند که در سال‌های اخیر (دو دهه) جهش چشمگیری داشته و از شتاب بالایی در جهت نیل به توسعه اقتصادی - اجتماعی برخوردار بوده‌اند و کشورهای پردرآمد که از نظر توسعه‌یافتگی در سطوح بالا قرار دارند می‌توانند راهنمایی برای توسعه‌یافتگی کشور باشند.

### ۱-۵- رشد اقتصادی و در آمد سالانه

کشورهای پر در آمد و رشد اقتصادی جهانی، ثبات بیشتری نسبت به رشد اقتصادی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیای شرقی و پاسفیک و همچنین ایران نشان می‌دهند. متوسط رشد اقتصادی خاورمیانه و شمال آفریقا در دهه ۱۹۸۰ منفی بود، لیکن در دهه ۱۹۹۰ ارقام مثبتی را نشان می‌دهد. نوسانات رشد اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ نسبت به دهه ۱۹۸۰ به شدت کاهش یافته و از سال ۱۹۹۴ به بعد یک همگرایی نسبی در رشد اقتصادی جهان ملاحظه می‌شود همچنین نوسانات رشد اقتصادی در ایران در مقایسه با دیگر مناطق بسیار شدیدتر بوده است. (جدول ۱)

جدول ۱- نرخ رشد سالانه GDP در مناطق منتخب جهان (درصد)

منطقه	۱۹۷۱-۷۵*	۱۹۷۶-۸۰*	۱۹۸۱-۸۵	۱۹۸۶-۹۰	۱۹۹۱-۹۵	۱۹۹۶	۲۰۰۱	۲۰۰۶	۲۰۱۱
آسیای شرقی و پاسفیک	۵/۰۱	۵/۵۲	۶/۲۹	۶/۳۶	۷/۹۹	۸/۷۵	۵/۹۳	۷/۳۱	۸/۱۳
خاورمیانه و شمال آفریقا	...	۴/۸۵-	۲/۱۲-	۲/۸۱-	۲/۷	۷۳/۴	۱/۷۱	۴/۱۴	۲/۶۷
کشورهای پردرآمد	۰/۹۴	۲/۳۱	۰/۵۴	۲/۶۶	۱/۱۱	۳/۰۶	۳/۱۸	۳/۷۲	۱/۰۳
جهان	۱/۸۳	۲/۶۴	۰/۷۳	۲/۵۹	۱/۲۴	۳/۴۲	۳/۱۱	۴	۱/۳۷
ایران	...	۶/۳۲	۴/۵۲-	۱/۴۴	۲۳/۳	۵/۵۲	۱/۷۱	۵/۰۵	۳/۴۲

\* متوسط دوره را نشان می‌دهد

منبع: WDI، ۲۰۰۵

منطقه آسیای شرقی و پاسفیک قرار دارد. این امر بیانگر آن است که سرانه درآمد هر ایرانی از سرانه درآمد جهانی کمتر است و دستیابی به رتبه‌ای موثر در اقتصاد جهانی نیازمند تلاش فراوانی است. البته بررسی درآمد سرانه براساس شاخص برابری قدرت خرید نشان می‌دهد که موقعیت ایران از بهبود نسبی برخوردار می‌شود و بالاتر از درآمد سرانه واقعی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و آسیای شرقی و پاسفیک قرار می‌گیرد اما هنوز کمتر از متوسط جهانی است. (جدول ۲)

جدول ۲- تولید ناخالص داخلی سرانه (درآمد سرانه) به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰ بر اساس PPP (دلار)

منطقه	۱۹۷۵-۷۹ *	۱۹۸۰-۸۴ *	۱۹۸۵-۸۹	۱۹۹۰-۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
آسیای شرقی و پاسفیک	۸۲۲/۱	۱۰۸۱/۴	۱۴۹۴/۷	۲۰۶۲/۷	۲۶۵۹/۹	۲۸۵۶/۱	۳۲۵۱/۶	۳۴۵۵/۵	۴۰۸۵/۵
خاورمیانه و شمال آفریقا	...	۴۵۵۲/۹	۴۲۰۵/۹	۴۴۴۳/۰	۴۵۱۲/۴	۴۶۳۵/۱	۴۷۸۱/۷	۴۹۱۴/۲	۴۹۴۷/۸
کشورهای پردرآمد	۱۵۴۸۶/۸	۱۶۸۵۰/۸	۱۹۱۳۳/۴	۲۱۱۶۳/۲	۲۲۰۹۴/۳	۲۲۵۶۱/۱	۲۴۱۰۲/۹	۲۴۷۲۹/۶	۲۵۵۷۸/۹
جهان	۴۸۶۴/۸	۵۰۳۶/۶	۵۴۹۹/۰	۵۸۲۹/۶	۶۰۵۹/۹	۶۲۰۳/۳	۶۵۸۷/۷	۶۷۸۱/۸	۶۸۵۳/۳
ایران	...	۵۱۰۱/۳	۴۵۴۹/۷	۵۰۷۳/۸	۵۲۹۵/۰	۵۴۰۱/۵	۵۶۴۵/۷	۵۵۷۶/۰	۵۷۳۳/۹

\* متوسط دوره را نشان می‌دهد

منبع: WDI، ۲۰۰۵

با بررسی درآمد سرانه منطقه می‌توان گفت درآمد سرانه امارات متحده عربی و کویت در سال ۲۰۰۳ به ترتیب حدود ۱۱/۲۵ و ۹/۷۶ برابر درآمد سرانه ایران است. رتبه ایران با در نظر گرفتن این فرض که درآمد سرانه کشورهای براساس متوسط رشد ده ساله ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ رشد یابد در همان رتبه دهم باقی خواهد ماند در حالی که جابه‌جایی‌هایی در رتبه‌بندی سایر کشورهای اتفاق خواهد افتاد. درآمد سرانه ایران بر این اساس، در سال ۲۰۲۵ برابر با ۲۸۳۱/۳ دلار خواهد بود که تقریباً ۱۷ درصد درآمد سرانه واقعی بحرین می‌باشد. حداقل نرخ رشد متوسط مورد نیاز برای این که ایران بیشترین میزان درآمد واقعی سرانه را در بین کشورهای منطقه در این حالت رشد داشته باشد؛ نرخ رشد متوسط ۱۲/۳ درصدی در تولید ناخالص داخلی سرانه



می‌باشد. یعنی لازم است GDP واقعی کشور به طور متوسط ۱۴ درصد در سال افزایش یابد. (جدول ۳)

بنابراین می‌توان گفت که دستیابی ایران به بیشترین درآمد سرانه در منطقه اگر هم امری بعید نباشد مشکل خواهد بود و نیازمند اجرای برنامه‌های دقیق و منظم و افزایش حجم نوآوری‌ها و کارآفرینی می‌باشد. لازم به توضیح است که اهمیت شاخص تولید ناخالص داخلی در قدرت اقتصادی کشورها بسیار بیشتر از درآمد سرانه می‌باشد چرا که درآمد سرانه شاخصی بر پایه فرد بوده و بسیاری از ویژگی‌ها از جمله وسعت و اندازه اقتصاد یک کشور را بیان نمی‌کند.

**GDP جدول ۳- پیش‌بینی سرانه بر اساس نرخ رشد متوسط دوره ۱۰ ساله ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳**

ردیف	کشور	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
۴	امارات	۲۴۶۶۶/۶	۱۹۲۸۰/۸	۱	-۲/۲۱	۱۸۴۴۶/۱	۱۶۴۸۲/۸	۱۴۷۳۶/۴	۱۳۱۷۵	۱۲۸۸۳/۲	۱۲۰۴۵/۹	۱۱۷۷۹/۱
۱	رژیم اشغالگر قدس	۱۵۰۹۲/۹	۱۷۲۹۸/۴	۲	۱/۰۹	۱۷۶۷۹/۳	۱۸۶۶۸/۷	۱۹۷۱۳/۴	۲۰۸۱۶/۷	۲۱۰۴۴/۶	۲۱۷۴۴/۵	۲۱۹۸۱/۶
۳	کویت	۱۷۱۵۳/۴	۱۶۷۳۷/۷	۳	-۱/۹۳	۱۶۴۲۹/۵	۱۵۶۸۳/۶	۱۴۹۷۱/۵	۱۴۲۹۱/۸	۱۴۱۵۹/۶	۱۳۷۷۰/۳	۱۳۶۴۲/۹
۲	بحرین	۱۰۶۲۵/۳	۱۲۱۵۱/۸	۴	۱/۲۳	۱۲۴۵۲/۱	۱۲۳۳۵/۶	۱۲۰۶۸/۵	۱۱۴۹۳/۸	۱۱۵۱۳۷/۴	۱۵۷۰۱/۹	۱۵۸۹۴/۸
۶	عربستان	۹۷۸۸/۳	۹۰۳۷/۹	۵	-۱/۵۴	۸۹۴۱/۱	۸۷۰۳/۶	۸۴۷۷/۴	۸۲۴۷/۳	۸۲۰۲	۸۰۷۱/۶	۸۰۲۸/۲
۵	عمان	۷۷۹۱/۱	۸۶۴۳/۸	۶	۰/۹۴	۸۸۰۷/۷	۹۲۳۱/۴	۹۶۷۵/۴	۱۰۱۴۰/۸	۱۰۲۳۶/۵	۱۰۵۲۹/۲	۱۰۶۲۸/۶
۷	لبنان	۳۱۶۴/۸	۳۹۲۵/۱	۷	۱/۶۸	۴۰۵۸/۴	۴۴۱۱/۸	۴۷۹۶	۵۲۱۳/۷	۵۳۰۱/۵	۵۵۷۳/۸	۵۶۶۷/۷
۹	ترکیه	۲۵۶۹/۱	۲۹۷۶/۹	۸	۰/۸۹	۳۰۳۰/۳	۳۱۶۸	۳۳۱۲	۳۴۶۲/۶	۳۴۹۳/۵	۳۵۸۷/۹	۳۶۲۰
۱۲	اردن	۱۶۶۸/۵	۱۸۰/۱	۹	۰/۷۸	۱۸۲۹/۳	۱۹۰۱/۹	۱۹۷۷/۳	۲۰۵۵/۷	۲۰۷۱/۸	۲۱۲۰/۷	۲۱۳۷/۳
۱۰	ایران	۱۳۵۹/۴	۱۷۱۵/۲	۱۰	۲/۳	۱۷۹۵/۲	۲۰۱۱/۷	۲۲۵۴/۵	۲۵۲۶/۴	۲۵۸۴/۷	۲۷۶۷/۵	۲۸۳۱/۳
۱۱	مصر	۱۲۵۳/۳	۱۶۲۲/۳	۱۱	۲/۵۴	۱۷۰۵/۶	۱۹۳۳/۱	۲۱۹۱	۲۴۸۳/۳	۲۵۴۶/۲	۲۷۴۴/۹	۲۸۱۴/۵
۱۵	سوریه	۱۰۳۴/۵	۱۱۳۵/۲	۱۲	۰/۷۵	۱۱۵۲/۲	۱۱۹۵/۹	۱۲۴۱/۲	۱۲۸۸/۳	۱۲۹۷/۹	۱۳۳۷/۲	۱۳۳۷/۱
۱۳	ازمنستان	۸۶۹/۴	۹۸۹	۱۳	۲/۶۷	۱۰۴۲/۵	۱۱۸۹	۱۳۵۶/۱	۱۵۴۶/۶	۱۵۸۷/۹	۱۷۱۸/۲	۱۷۶۴
۸	ترکمنستان	۴۱۴/۴	۸۸۳/۶	۱۴	۸/۷	۱۰۴۴	۱۵۸۴/۳	۲۴۰۴/۲	۳۶۴۸/۴	۳۹۶۵/۸	۵۰۹۳/۳	۵۵۳۶/۴
۱۴	آذربایجان	۹۳۲/۳	۸۶۵/۲	۱۵	۲/۰۵	۹۰۱/۱	۹۹۷/۵	۱۱۰۴/۲	۱۲۲۲/۳	۱۲۴۷/۴	۱۳۲۵/۸	۱۳۵۳
۱۶	یمن	۴۲۹/۱	۵۵۲/۷	۱۶	۲/۴۹	۵۸۰/۶	۶۵۶/۷	۷۴۲/۸	۸۴۰/۱	۸۶۱	۹۲۷	۹۵۰/۱
۱۷	پاکستان	۴۹۶/۴	۵۴۶/۱	۱۷	۱/۰۲	۵۵۷/۴	۵۸۶/۹	۶۱۷/۹	۶۵۰/۵	۶۵۷/۳	۶۷۷/۹	۶۸۴/۹
۱	پیش‌بینی فرض رشد دیگر کشورها با متوسط نرخ رشد ۱۰ ساله شان	۲۱۶۳/۱	۲۸۶۳/۴	۱۲/۲	۲۸۶۳/۴	۶۹۰۰/۴	۱۲۳۲۴/۶	۱۳۸۴۰/۵	۱۶۶۰۱/۵	۲۲۰۱۲/۵		

منبع: رضایی، دهکردی، ۱۳۸۶، ۳۶۰

## ۲-۵- تشکیل ناخالص سرمایه

حدود ۲۶/۳ درصد از تشکیل ناخالص سرمایه در منطقه منا و ۰/۶۴ درصد از تشکیل ناخالص سرمایه جهانی در ایران صورت گرفته است (آمار سال ۲۰۰۲) با این که سهم ایران در خاورمیانه درخور توجه است، لیکن نسبت به جهان حتی به یک درصد هم نمی‌رسد در حالی که ایران هم از نظر وسعت، و هم جمعیت و هم منابع غنی انرژی و طبیعی در رده کشورهای اول دنیا قرار دارد. این امر بیانگر آن است که نیاز سرمایه‌ای کشور بسیار بیشتر از ارقام ذکر شده است. (جدول ۴)

جدول ۴- تشکیل سرمایه ناخالص در مناطق منتخب جهان (میلیارد دلار)

کشور	۱۹۷۱-۷۵	۱۹۷۶-۸۰	۱۹۸۱-۸۵	۱۹۸۶-۹۰	۱۹۹۱	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
آسیای شرقی و پاسفیک	۶۱/۸۰	۹۱/۷۲	۱۳۱/۹۲	۲۰۳/۷۶	۳۴۳/۸۹	۴۸۲/۱۱	۵۰۵/۰۰	۵۶۴/۴۸
خاورمیانه و شمال آفریقا	...	...	...	...	...	...	...	۱۵۵/۰۶
کشورهای پردرآمد جهان	۳۶۱۰/۳۷	۲۹۹۳/۱۶	۳۰۹۶/۷۲	۳۹۷۵/۲۱	۴۳۹۵/۹۵	۴۸۴۳/۳۱	۵۶۴۲/۱۶	۵۴۳۷/۰۸
ایران	...	۲۶/۹۲	۲۵/۰۷	۲۰/۲۷	۲۷/۱۹	۲۴/۲۹	۳۳/۴۰	۹۷/۰۷

\* متوسط دوره را نشان می‌دهد  
منبع: WDI، ۲۰۰۵

آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیانگر ناچیز بودن خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نسبت به سایر مناطق، حتی در خاورمیانه بوده است. سهم ایران از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته در سال ۲۰۰۳ در جهان ۰/۰۲ در صد بوده که رقم بسیار پایینی است و جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌بایست در اولویت دولت قرار گیرد. (جدول ۵)

جدول ۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در مناطق منتخب جهان (میلیون دلار)

کشور	۱۹۷۱-۷۵	۱۹۷۶-۸۰	۱۹۸۱-۸۵	۱۹۸۶-۹۰	۱۹۹۱	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳
آسیای شرقی و پاسفیک	۴/۵۵۳	۸/۱۰۴۹	۶/۲۶۵۴	۷/۶۵۲۱	۰۹/۳۳۹۰	۵/۵۸۶۲۸	۳/۴۴۲۴۵	۰/۴۸۲۳۷
خاورمیانه و شمال آفریقا	...	۱/۱۱۷۴	۸/۱۱۴۱	۸/۱۲۷۱	۳/۲۰۴۷	۶/۱۶۸۰	۳/۴۲۶۴	۳/۵۷۲۳
کشورهای پردرآمد جهان	۶/۱۳۱۹۹	۱/۲۸۸۹۸	۸/۳۹۸۸۵	۳/۱۳۶۹۳۴	۷/۱۵۳۶۸۱	۰/۲۴۰۳۷۳	۸/۱۳۴۴۹۸۹	۲/۶۳۱۴۹۵
ایران	...	۷/۲۷۹	-۴/۳۶	-۲/۱۴۸	۵/۵۱	۰/۲۶	-/۲۹	۸/۵۴

ماخذ: WDI، ۲۰۰۵

## ۳-۵- فقر و بیکاری

منطقه آسیای شرقی کم‌ترین میزان بیکاری و خاورمیانه و شمال آفریقا دارای بیشترین میزان بیکاری است. در حالی که نرخ بیکاری در کشورهای پردرآمد نزدیک به نرخ بیکاری جهانی است. در صورتی که نکته مهم این است که میزان بیکاری در ایران دو برابر نرخ بیکاری جهانی است. در صورتی که روند کنونی ادامه یابد آینده بازار کار ایران با مشکل اساسی روبرو خواهد بود. با توجه به ارقام جهانی، میزان بیکاری در ایران باید حداقل ۷۰ درصد کاهش یابد. اگر فرض شود که نرخ بیکاری کشورهای منطقه براساس متوسط نرخ رشد ۲۰۰۳-۱۹۹۴ تغییر کند، ایران با یک پله صعود به رتبه یازدهم صعود می‌کند و تغییر چندانی در رتبه کشورها به وجود نخواهد آمد. با توجه به فرض در نظر گرفته شده، حداقل نرخ رشد متوسط مورد نیاز برای پیشی گرفتن ایران از سایر کشورهای منطقه برابر با ۹/۵- درصد است. یعنی هر سال باید ۹/۵ درصد از بیکاری کاهش یابد. با شرایط بررسی شده موقعیت ایران و پیش‌بینی‌های انجام شده، این نتیجه حاصل می‌شود که بیکاری در ایران بسیار بالاست و از آن جا که یکی از مهم‌ترین متغیرها در رفاه اقتصادی و توسعه کشورها محسوب می‌شود (به‌ویژه در ایران که پوشش کامل بیمه‌ای وجود ندارد) نیازمند توجه بیشتر است. (جدول ۶)

جدول ۶- پیش‌بینی روند آتی نرخ بیکاری بر اساس متوسط نرخ رشد ده ساله ۲۰۰۳-۱۹۹۴

شرح	اولین داده*	۱۹۹۱	۲۰۰۳	رتبه کنونی	نرخ رشد	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۴	۲۰۲۵	رتبه آتی
کویت	۰/۷۳	..	۰/۸	۱	۱/۳۳	۰/۸۴	۰/۹۶	۱/۱	۱/۲۵	۱/۲۸	۱/۳۹	۱/۴۲	۱
آذربایجان	۰/۱۱	۱/۳۵	۱/۳۵	۲	۴/۲۲	۱/۴۳	۱/۶۳	۱/۸۵	۲/۱۱	۲/۱۷	۲/۳۵	۲/۴۱	۲
امارات متحده عربی	۱/۸	..	۲/۶۶	۳	۵/۰۲	۲/۸۱	۳/۲	۳/۶۵	۴/۱۶	۴/۲۷	۴/۶۱	۴/۷۴	۳
عربستان	۳/۴	..	۴/۸۱	۴	۲/۲۷	۵/۰۷	۵/۷۸	۶/۵۹	۷/۵۱	۷/۷۱	۸/۳۴	۸/۵۶	۴
پاکستان	۶/۲۸	۸/۳۸	۸/۳۸	۵	۲/۴۴	۸/۸۴	۱۰/۰۷	۱۱/۴۸	۱۳/۰۸	۱۳/۴۳	۱۴/۵۳	۱۴/۹۱	۵
مصر	۹/۶	۸/۸۱	۸/۸۱	۶	-۰/۷	۹/۲۸	۱۰/۵۸	۱۲/۰۶	۱۳/۷۴	۱۴/۱۱	۱۵/۲۶	۱۵/۶۷	۶
ارمنستان	..	۹/۴۱	۹/۴۱	۷	-۰/۱۱	۹/۹۲	۱۱/۳	۱۲/۸۸	۱۴/۶۸	۱۵/۰۷	۱۶/۳	۱۶/۷۴	۷
رژیم اشغالگر قدس	۱۰/۶	۱۰/۷۵	۱۰/۷۵	۸	۴/۳۹	۱۱/۳۳	۱۲/۹۱	۱۴/۷۲	۱۶/۷۸	۱۷/۲۲	۱۸/۶۳	۱۹/۱۲	۸
ترکیه	۸	۱۱/۱۳	۱۱/۱۳	۹	۵/۰۱	۱۱/۷۳	۱۳/۳۷	۱۵/۲۴	۱۷/۳۷	۱۷/۸۳	۱۹/۲۹	۱۹/۸	۹
اردن	۱۴/۴	..	۱۲/۰۹	۱۰	-۲/۹	۱۲/۷۴	۱۴/۵۲	۱۶/۵۵	۱۸/۸۷	۱۹/۳۷	۲۰/۹۵	۲۱/۵۱	۱۰
سوریه	۶/۸	۱۲/۲۲	۱۲/۲۲	۱۱	۴/۴۶	۱۲/۸۸	۱۴/۶۸	۱۶/۷۳	۱۹/۰۷	۱۹/۵۸	۲۱/۱۸	۲۱/۷۴	۱۱
ایران	۹/۰۸	..	۱۲/۶۸	۱۲	۳/۰۸	۱۳/۳۶	۱۵/۲۳	۱۷/۳۶	۱۹/۷۸	۲۰/۳۱	۲۱/۹۷	۲۲/۵۵	۱۲
لبنان	۸/۶	..	..	۱۳	..	..	..	..	..	..	..	..	۱۳
یمن	۱۱/۵	..	..	۱۴	..	..	..	..	..	..	..	..	۱۴
													۱

پیش‌بینی نرخ بیکاری ایران با هدف اول شدن با فرض رشد بیکاری دیگر کشورها با متوسط نرخ رشد ۱۰ ساله شان (حداکثر نرخ رشد منفی‌شان)

منبع: رضایی، رهکردی، ۱۳۸۶، ۳۶۵  
\* کشورهای که در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ داده‌ای نداشتند، از اولین داده آن‌ها بعد از سال ۱۹۹۴ استفاده شده است. بنابراین دوره نرخ رشد متوسط گرفته شده اندکی متفاوت است.

#### ۴-۵- توسعه انسانی

توسعه انسانی فرآیندی است که در آن دامنه انتخاب افراد از طریق کسب اطلاعات و بهره‌برداری از قابلیت‌های انسانی افزایش می‌یابد. به بیان دیگر فرایند بسط انتخاب‌های انسانی در بستر فضای اجتماعی قابلیت‌ی برای دستیابی به زندگی بهتر است. بر اساس آخرین گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲، ایران با شاخص توسعه انسانی ۰/۷۲ در مرتبه ۹۸ و در گروه کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط قرار می‌گیرد شاخص توسعه انسانی در ایران از رتبه ۹۰ در سال ۱۳۷۹ به ۹۸ در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است. تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه و امید به زندگی از عوامل اثرگذار بر وضعیت این شاخص در اقتصاد ایران است. وضعیت ایران از نظر شاخص توسعه انسانی پایین‌تر از کشورهای هم‌چون بحرین (رتبه ۳۹)، عربستان سعودی (رتبه ۷۰)، ترکیه (رتبه ۸۵)، و بالاتر از کشورهای نظیر مصر (رتبه ۱۱۵) و پاکستان (رتبه ۱۳۸) می‌باشد توسعه انسانی در ایران پایین‌تر از توسعه انسانی در سازمان توسعه همکاری اقتصادی، آسیای شرقی و پاسیفیک، آمریکای لاتین و حتی متوسط جهانی قرار دارد. به‌ویژه با کشورهای OECD به هیچ وجه قابل مقایسه نمی‌باشد. (جدول ۷) اگر فرض شود که روند دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن بیست و یکم همچنان ادامه داشته باشد؛ ایران در سال ۲۰۲۵ با دو پله صعود در رتبه دهم قرار خواهد گرفت. حداقل نرخ رشد متوسط شاخص توسعه انسانی مورد نیاز برای دستیابی ایران به موقعیت برتر منطقه ۱/۴۵ درصد در سال است. (جدول ۸)

جدول ۷- شاخص توسعه انسانی و اجزای آن در مناطق منتخب جهان

شاخص منطقه	امید به زندگی (سال)	نرخ با سواد (درصد از جمعیت بالای ۱۵ سال)	متوسط نرخ ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی (درصد)	GDP سرانه (PPP) (دلار)
دولت‌های عربی	۶۷	۶۴/۱	۶۲	۵۶۸۵
آسیای شرقی و پاسیفیک	۷۰/۵	۹۰/۴	۶۹	۵۱۰۰
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۷۱/۹	۸۹/۶	۸۱	۷۴۰۴
OECD	۷/۷۷	۹۹	۸۹	۲۵۹/۵
جهان	۱/۶۷	...	۶۷	۸۲۲۹
ایران	۷۰/۴	۷۷	۶۹	۶۹۹۵

ماخذ: ۲۰۰۵، UNDP

جدول ۸- پیش‌بینی شاخص توسعه انسانی براساس نرخ رشد روند ۱۰ ساله  
۲۰۰۳-۱۹۹۴ منطقه

شرح	۱۹۹۰	۲۰۰۳	رتبه کنونی	نرخ رشد	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۴	۲۰۲۵	رتبه آتی
رژیم اشغالگر قدس	۰/۸۵۸	۰/۹۱۵	۱	۰/۴۹	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۹۷	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۱
قطر	....	۰/۸۴۹	۲	۰/۵۴	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۶	۲
امارات متحده عربی	۰/۸۱۲	۰/۸۴۹	۳	۰/۵۳	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۹	۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۵	۳
بحرین	۰/۸۰۹	۰/۸۴۶	۴	۰/۵۳	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۹	۰/۹	۷
کویت	....	۰/۸۴۴	۵	۰/۴۷	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۴	۴
عمان	۰/۶۹۹	۰/۷۸۱	۶	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۲	۶
عربستان	۰/۷۰۸	۰/۷۷۲	۷	۰/۵۱	۰/۷۸	۰/۸	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۸۶	۰/۸۶	۱۲
ارمنستان	۰/۷۳۷	۰/۷۵۹	۸	۱/۰۵	۰/۷۷	۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۹۱	۵
لبنان	۰/۶۷۷	۰/۷۵۹	۹	۰/۵۴	۰/۷۷	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۵	۰/۸۵	۱۳
اردن	۰/۶۸۳	۰/۷۵۳	۱۰	۰/۷۷	۰/۷۶	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۸۹	۸
ترکیه	۰/۶۷۸	۰/۷۵۰	۱۱	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۷۹	۰/۸۲	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۸۷	۰/۸۸	۹
ایران	۰/۶۵۰	۰/۷۳۶	۱۲	۰/۷۴	۰/۷۵	۰/۷۷	۰/۸	۰/۸۳	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۸۷	۱۰
سوریه	۰/۶۴۶	۰/۷۲۱	۱۳	۰/۸۸	۰/۷۳	۰/۷۷	۰/۸	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۸۷	۰/۸۷	۱۱
مصر	۰/۵۷۹	۰/۶۵۹	۱۴	۰/۹۵	۰/۶۷	۰/۷	۰/۷۴	۰/۷۷	۰/۷۸	۰/۸۱	۰/۸۱	۱۴
پاکستان	۰/۴۶۲	۰/۵۳۷	۱۵	۰/۸۶	۰/۵۴	۰/۵۶	۰/۵۸	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۳	۰/۶۴	۱۵
یمن	۰/۳۹۳	۰/۴۸۹	۱۶	۱/۴۴	۰/۵	۰/۵۳	۰/۵۶	۰/۵۹	۰/۶	۰/۶۲	۰/۶۲	۱۷
پیش‌بینی توسعه انسانی ایران با هدف اول بودن در منطقه				۱/۴۵	۰/۷۵۷	۰/۸۱۴	۰/۸۷۵	۰/۹۴	۰/۹۵۴	۰/۹۹۶	۰/۹۹۷	۱

منبع: رضایی، دهکردی، ۱۳۸۶، ۳۷۱

### ۵-۵- درجه بازی تجاری

نسبت حجم تجارت خارجی به تولید ناخالص ملی به‌عنوان شاخصی برای درجه بازی اقتصاد تلقی می‌شود. درجه باز تجاری در ایران پایین‌تر از دیگر مناطق و متوسط جهانی است. بیشترین میزان این شاخص متعلق به آسیای شرقی است که نسبت به تولید ناخالص داخلی‌اش بیشترین تجارت را داشته است و این نسبت در منطقه خاورمیانه هم بالاتر از کشورهای پردرآمد و متوسط جهان بوده است. البته این حجم تجارت شامل تجارت نفت و مواد نفتی هم می‌باشد. اگر این بخش از تجارت ایران کنار گذاشته شود شاخص مزبور به شدت کاهش خواهد یافت. این امر بیانگر بسته بودن اقتصاد ایران و نبود تعامل تجاری لازم با جهان است.

## جدول ۹- حجم تجارت به صورت درصدی از GDP در مناطق منتخب جهان

منطقه	۱۹۷۱-۷۵*	۱۹۷۶-۸۰	۱۹۸۱-۸۵	۱۹۸۶-۹۰	۱۹۹۱-۹۵	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۳
آسیای شرقی و پاسیفیک	۲۶/۱۸	۷۷/۲۳	۰۲/۳۰	۹۶/۳۸	۵۹/۵۳	۵۴/۵۵	۶۰/۷۱	۱۰/۷۰	۷۶/۸۰
خاورمیانه و شمال آفریقا	...	۲۰/۷۲	۴۹/۶۳	۲۹/۵۲	۰۲/۶۲	۵۷/۵۸	۴۹/۵۹	۳۳/۵۷	۶۲/۶۱
کشورهای پر درآمد	۲۸/۳۱	۲۶/۳۶	۸۳/۳۸	۷۱/۳۶	۰۹/۳۸	۲۲/۴۱	۷۶/۴۷	۳۲/۴۶	..
جهان	۶۳/۳۰	۴۱/۳۵	۸۹/۳۷	۶۱/۳۶	۶۱/۳۹	۷۰/۴۲	۶۴/۴۹	۲۹/۴۸	..
ایران	...	۹۹/۴۸	۲۱/۲۴	۲۴/۲۰	۲۰/۴۲	۵۰/۳۸	۹۷/۴۳	۱۴/۳۹	۲۱/۴۸

مأخذ: World development indicators 2005  
\* متوسط دوره را نشان می‌دهد.

## ۶-۵- تحولات علمی و فناوری

## ۱-۶-۵- هزینه‌های تحقیق و توسعه

سه‌م هزینه‌های تحقیق و توسعه در ایران و منطقه منا به اندازه‌ای پایین بوده که چشم پوشی شده است در حالی که ۲/۵۴ درصد GDP کشورهای پر درآمد و ۱/۱۰۸ درصد GDP کشورهای آسیای شرقی و پاسیفیک در سال ۲۰۰۲ به تحقیق و توسعه اختصاص یافته است. البته این سهم در منطقه آسیای شرقی بیشترین رشد را داشته و بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ بیش از دو برابر شده است؛ در حالی که در کشورهای پر درآمد افزایش خاصی نیافته است.

## جدول ۱۰- هزینه‌های تحقیق و توسعه در مناطق منتخب جهان (درصد از GDP)

منطقه	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲
آسیای شرقی و پاسیفیک	۰/۴۸	۰/۶۰	۰/۶۸	۰/۷۶	۰/۹۰	۱/۰۰	۱/۱۱
خاورمیانه و شمال آفریقا	..	..	..	..	..	..	..
کشورهای پر درآمد	۲/۳۰	۲/۳۲	۲/۳۲	۲/۳۳	۲/۴۶	۲/۵۰	۲/۵۴
جهان	۲/۷۶	۲/۶۶	۲/۶۶	۲/۷۶	۲/۱۸	۲/۲۷	۲/۳۶
ایران	..	..	..	..	..	..	..

مأخذ: WDI, 2000

## ۲-۶-۵- تعداد پژوهشگران

اطلاعاتی در مورد تعداد پژوهشگران در منطقه خاورمیانه و کل جهان در دسترس نمی‌باشد لیکن آمار دو منطقه دیگر یعنی آسیای شرقی و کشورهای پردرآمد نشان می‌دهد که سرانه تعداد پژوهشگران در کشورهای پردرآمد بیشتر بوده و طبق آخرین آمار موجود ۵/۷ برابر تعداد پژوهشگران در منطقه آسیای شرقی و پاسیفیک و ۷/۳۸ برابر تعداد پژوهشگران در ایران بوده است. با توجه به ناچیز بودن هزینه‌های تحقیق و توسعه و کم بودن تعداد پژوهشگران در کشور و با توجه به این که به دنبال اقتصاد دانش‌محور و دانایی‌محور هستیم. لازم است که این بخش مورد اهمیت قرار گرفته و هزینه‌های بیشتری به آن اختصاص یابد. همچنین قوانین مربوط به آن شفاف و منظم شود.

## ۳-۶-۵- صادرات فناوری بالا

صادرات فناوری بالا یکی از مهم ترین متغیرهای اندازه‌گیری پیشرفت تکنولوژیکی یک کشور است. آمارها نشان می‌دهد که آسیای شرقی و پاسیفیک بیشترین نسبت صادرات کالاها ساخته شده را به کالاهای با فناوری بالا اختصاص داده است. در حالی که این نسبت در ایران تنها ۱/۶۷ درصد در سال ۲۰۰۳ بوده است. سهم تجارت کالاهای با فناوری بالا از کل کالاهای صادراتی جهان در سال ۲۰۰۳، معادل ۱۸/۱۷ درصد بوده و همین سهم برای کشورهای پردرآمد ۱۷/۵۳ درصد بوده است. (جدول ۱۱) یکی از مهم‌ترین دلایل پایین بودن این سهم در منطقه خاورمیانه، نفت خیز بودن منطقه و توجه بیش از حد به سمت کالاهای مشتقه نفتی یا کالاهای انرژی بر دیگر بوده است که تولید این کالاها در مناطق پیشرفته و توسعه یافته جهان دیگر، انجام نمی‌گیرد. از جمله این صنایع می‌توان به صنعت سیمان، پتروشیمی، لاستیک‌سازی و فولاد اشاره کرد.

جدول ۱۱- صادرات فناوری بالا در مناطق منتخب جهان (درصد از کل صادرات صنعتی)

منطقه	۱۹۹۰	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۳
آسیای شرقی و پاسیفیک	..	۱۵/۷۷	۱۷/۲۸	۱۹/۲۴	۲۱/۳۵	۲۸/۵۶	۳۰/۷۴	۳۱/۱۹	۴۰/۱۴	۳۳/۳۱
خاورمیانه و شمال آفریقا	..	۰/۴۶	..	۰/۷۹	۰/۶۳	۱/۵	۲/۴۱	۲/۱۱	۱/۶۸	..
کشورهای پردرآمد	۱۸/۲۱	۱۸/۷۱	۱۹/۴۸	۱۹/۹۷	۲۰/۴۳	۲۲/۵۹	۲۳/۲۳	۲۴/۹۲	۲۳/۶۱	۱۷/۵۳
جهان	۱۷/۴۵	۱۷/۲	۱۷/۸۱	۱۸/۲۶	۱۸/۷۴	۲۰/۹	-/۴۹	۲۳/۱۱	۲۲	۱۸/۱۸
ایران	..	..	..	..	..	۰/۱۳	-/۴۹	۱/۸۸	۱/۰۲	۱/۶۷

مأخذ: World development indicators, 2005

بر اساس تعاریف موجود، اقتصاد دانش محور، اقتصادی است که سهم تولید دانشی و سهم عامل دانش در تولید ملی بیشتر از سایر عوامل تولید از قبیل سرمایه، زمین، نیروی کار غیر ماهر و غیره است. نتیجه اقتصاد دانش محور، تولید محصولات تکنولوژیکی، پیشرفته و مدرن می‌باشد. همچنین، هر اندازه قدرت رقابت پذیری کشورها در رقابت با جهان خارج بیشتر باشد، سهم محصولات تکنولوژیکی از کل صادرات نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین سهم محصولات تکنولوژیکی در صادرات یک کشور می‌تواند بیانگر میزان دانش محور بودن اقتصاد آن و رقابت پذیری در این محصولات باشد. ایران بر اساس آمار سال ۲۰۰۳ رتبه هفتم را در بین کشورهای منطقه دارا بوده است.

اگر فرض شود که روند گذشته ۲۰۰۳-۱۹۹۹ همچنان تا سال ۲۰۲۵ ادامه داشته باشد، ایران از رتبه هفتم با ۱/۶۷ درصد در سال ۲۰۰۳ به رتبه اول منطقه با ۲۴/۲۳ درصد ارتقاء خواهد یافت.

شاخص سهم محصولات تکنولوژیکی در صادرات یک شاخص نسبی است و سهم صادرات تکنولوژیکی را نشان می‌دهد لیکن بررسی مطلق صادرات تکنولوژیکی هم می‌تواند بیانگر اتفاقات این پدیده باشد.

بررسی حجم صادرات تکنولوژیکی در بین کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که ایران جایگاه چهارم را در بین کشورهای منطقه دارا می‌باشد. (جدول ۱۲)

**جدول ۱۲- پیش‌بینی صادرات فناوری بالا بر اساس نرخ رشد متوسط ۷ ساله ۲۰۰۳-۱۹۹۷ (درصد از صادرات کالاهای ساخته شده)**

شرح	۱۹۹۲	۲۰۰۳	رتبه کنونی	رتبه رشد	۲۰۰۵	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۱	۲۰۲۴	۲۰۲۵	رتبه آتی
رژیم اشغالگر قدس	۱۹/۱	۱۸/۱	۱	-۱/۳۴	۱۷/۶۲	۱۶/۴۷	۱۶/۳۶	۱۶	۱۶/۲۳	۱۶/۱۷	۱۶/۱۵	۳
آذربایجان	۸	۴/۷۳	۲	-۱۲/۳	۳/۶۴	۱/۸۹	۱/۷۷	۱/۶۷	۱/۶۵	۱/۵۹	۱/۵۷	۶
لبنان	۲/۶۹	۲/۱۳	۳	-۵/۶۷	۱/۹	۱/۴۲	۱/۳۸	۱/۳۴	۱/۳۳	۱/۳۱	۱/۳	۸
ترکیه	۴/۳	۲/۰۶	۴	-۱۶/۸	۱/۴۳	۰/۵۷	۰/۵۲	۰/۴۸	۰/۴۷	۰/۴۵	۰/۴۴	۱۱
ارمنستان	۱۱/۷	۱/۸۸	۵	-۳۶/۷	۰/۷۵	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۴	۱۳
اردن	۵/۶۹	۱/۷۱	۶	-۲۵/۹۶	۰/۹۴	۰/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۴	۰/۱۴	۱۷
ایران	-/۴۹	۱/۶۷	۷	۳۵/۸۷	۳/۰۸	۱۴/۲۸	۱۷/۰۳	۲۱/۰۴	۲۳/۳۸	۲۴/۲۲	۲۴/۲۲	۱
عمان	۳/۵۲	۱/۶۷	۸	-۱۷	۱/۱۵	۰/۴۵	۰/۴۲	۰/۳۸	۰/۳۸	۰/۳۶	۰/۳۵	۱۴
ترکمنستان	۲/۱۲	۱/۳۸	۹	-۱۰/۲	۱/۱۱	۰/۶۵	۰/۶۲	۰/۵۹	۰/۵۸	۰/۵۶	۰/۵۶	۹
پاکستان	۰/۳۱	۱/۱۵	۱۰	۳۸/۷۸	۲/۲۱	۱۱/۴	۱۳/۷۹	۱۶/۸	۱۷/۳۳	۱۹/۴۳	۲۰/۱۸	۲
سوریه	۰/۵۳	۰/۷۹	۱۱	۱۰/۴۹	۰/۹۶	۱/۵۹	۱/۶۷	۱/۷۶	۱/۷۸	۱/۸۴	۱/۸۶	۵
مصر	۰/۳۴	۰/۵	۱۲	۲۰/۱۴	۰/۷۲	۱/۸۱	۲	۲/۲	۲/۲۵	۲/۳۹	۲/۴۴	۴
کویت	۱/۴۲	۰/۴۱	۱۳	-۲۶/۸	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۱۵
امارات متحده عربی	۱/۱	۰/۴	۱۴	-۲۲/۳	۰/۲۴	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۱۲
عربستان	۰/۹۶	۰/۲۸	۱۵	-۲۶/۵	۰/۱۵	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۱۶
بحرین	۰/۰۳	۰/۱	۱۶	۳۵/۱۲	۰/۱۸	۰/۸۲	۰/۹۸	۱/۱۶	۱/۲	۱/۳۳	۱/۳۸	۷



## نتیجه‌گیری

علم و فناوری بسترساز توسعه پایدار و متوازن کشورها می‌باشد. براساس تئوری توسعه دانش بنیان برخلاف نظریه اقتصادی نئوکلاسیک که در آن نیروی کار و سرمایه نقش کلیدی در تولید بازی می‌کنند، دانش به‌عنوان عامل اصلی، نقش اساسی در اقتصادهای پیشرفته ایفا می‌نماید. دانش به‌عنوان یکی از قالب‌های اساسی سرمایه است و توسعه پایدار تنها از طریق آن اتفاق می‌افتد. در قرن بیستم کاربرد دانش، شتاب فوق‌العاده‌ای به رشد اقتصادی و صنعتی کشورها داد. قرن بیست و یکم، قرن کاربرد دانش برای تولید دانش جدید، عصر اطلاعات، جامعه دانش‌محور، مولد ساختن دانش و توانایی، ایجاد سازماندهی مبتنی بر اطلاعات و به‌طور کلی قرن اقتصاد دانایی‌محور نام گرفته است امروزه کشورها تا حدود یک پنجم از تولید ناخالص داخلی خود را برای تولید و ترویج دانش اختصاص می‌دهند. در بررسی روند رشد کشورها آلمان و ژاپن نمونه‌های بارز استفاده از علم و فناوری برای توسعه و جبران عقب‌ماندگی‌ها بوده‌اند.

در بررسی جایگاه ایران در منطقه و نظام بین‌الملل نیز مشاهده شد که نوسان‌های رشد اقتصادی در ایران باعث شده رشد بلندمدت ایران رقم پایین ۱/۸۶ درصد را برای دوره ۲۰۰۳-۱۹۸۵ نشان بدهد. درآمد سرانه ایران نیز از سرانه منطقه و جهان پایین‌تر است و حتی با متوسط سرانه منطقه فاصله دارد. میزان بیکاری در ایران دو برابر نرخ بیکاری جهانی است و نرخ بیکاری ایران بالاتر از متوسط منطقه می‌باشد. تنها ۰/۶۴ درصد تشکیل ناخالص سرمایه جهانی در ایران صورت می‌گیرد. با این که سهم ایران در خاورمیانه درخور توجه است، لیکن نسبت به جهان حتی به یک درصد هم نمی‌رسد. در حالی که ایران از نظر وسعت، جمعیت و منابع غنی انرژی و طبیعی در ردیف کشورهای اول دنیا قرار دارد. کشور ایران از نظر توسعه یافتگی در شاخص توسعه انسانی در ردیف کشورهای با توسعه یافتگی متوسط قرار دارد و رتبه نود و نهم جهان را به خود اختصاص داده است که حتی با کشورهای منطقه نیز فاصله عمیقی دارد. آزادی اقتصادی در ایران در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و درجه بازی تجاری در ایران پایین‌تر از دیگر مناطق و متوسط جهانی است. سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه در ایران به‌اندازه‌ای پایین بوده که حتی در آمارهای جهانی از آن چشم‌پوشی شده است. در سال ۲۰۰۳ سهم هزینه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به تولید ناخالص داخلی در ایران معادل ۲/۲۴ درصد بود است که بسیار پایین‌تر از کشورهای پیشرفته و در حال رشد می‌باشد.

با بررسی تمامی این شرایط به‌نظر می‌رسد تنها عاملی که می‌تواند ایران را در رسیدن به اهداف چشم‌انداز بیست ساله و توسعه پایدار کمک نماید توجه عمیق و ویژه به مقوله علم و فناوری می‌باشد.

برای رسیدن به این هدف پیشنهاد می‌شود در ابتدا تغییر رویکردهای راهبردی ذیل صورت

پذیرد:

\* تغییر الگوی منابع پایه با تولید کالاهای حجیم و متکی به سهم بالای منابع طبیعی (سرمایه، زمین و ماشین آلات) می‌باشد به الگوی دانش پایه با تولید کالا و خدمات سبک و با ارزش متکی برسهم بالای سرمایه انسانی (معرفت، دانش، دانایی، علم، فناوری و نرم افزارها)

\* ساختار اقتصاد تک محصولی، دولتی، رانتی و انحصاری امکان جهش در توسعه آینده جامعه را به راحتی میسر نمی‌سازد. این الگوی اقتصادی ملی باید به الگوی تبدیل ثروت‌های طبیعی به سرمایه‌های زاینده اقتصادی مبدل شود تا نسل امروز و آینده جامعه از مواهب آن بهرمنند شوند و اقتصاد تک محصولی دولتی به اقتصاد متنوع مردمی - رقابتی با بازدهی بالا تبدیل شود.

\* در این حوزه باید از برخورد انفعالی و بدون توجه به مصالح و منافع ملی به فرصت‌سازی و استفاده از شایستگی‌های کلیدی جامعه و حداکثرسازی منافع ملی تغییر رویکرد داد.

\* در حوزه آموزش باید از حافظه محوری به پژوهش محوری تغییر رویکرد دهیم.

\* شرایط فعالیت‌های پراکنده و غیرمرتبط در گستره آموزش، پژوهش، تولید علم و فناوری ملی می‌باید به الگوی سیستم نوآوری ملی با حضور همه جانبه و منسجم و تکمیل کننده مراکز و نهادهای تولید علم و فناوری در حوزه‌های معرفتی، نظری، بنیادی، کاربردی و توسعه بیانجامد. همچنین باید اتکا به نظرات علمی و به کارگیری فناوری‌های با سهم تولید کالا و خدمات با دانش بالا را افزایش داد.

در جهان امروز کانون قدرت و اقتدار بیش از هر کجا در نهادهای آکادمیک و پژوهشی نهفته است. و دولت‌ها با صرف هزینه برای توسعه علم و فناوری و پژوهش بیشترین بهره‌وری را از منابع و امکانات موجود را فراهم می‌آورند. همان‌طور که در بررسی اسناد چشم‌انداز سایر کشورها مشاهده شد توسعه علم، فناوری، آموزش و پژوهش از اهداف تمامی آن‌ها می‌باشد. خوشبختانه در سند چشم‌انداز بیست ساله ایران نیز به این موضوع توجه شده است. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت که رشد علم و فناوری به‌عنوان محور اصلی می‌تواند توسعه متوازن و پایدار در کشور را شتاب بخشد و با توسعه متوازن و پایدار کشور می‌توانیم شاهد دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله و ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل باشیم.

### منابع

- ۱- آرگیری، امانوئل، ۱۳۸۴، **تکنولوژی مناسب یا عقب افتاده**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۲- بدیع، برتران، ۱۳۷۶، **توسعه سیاسی**، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، نشر قومس، چاپ اول.
- ۳- تودارو، مایکل، ۱۳۷۰، **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول، جلد اول.

- ۴- چیلکوت، رونالد، ۱۳۷۵، **نظریات توسعه و توسعه نیافتگی**، ترجمه احمد ساعی، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین، چاپ اول.
- ۵- حاجی یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۸۴، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای ۲۰۰۱-۱۹۹۱**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
- ۶- دوئرتی، جیمز، فالتزگراف، رابرت، ۱۳۸۳، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه دکتر وحید بزرگی و علیرضا حلیب، تهران، نشر قومس، چاپ سوم.
- ۷- رضایی میرقائد، محسن، ممبینی دهکردی، علی، ۱۳۸۶، **ایران آینده در افق چشم‌انداز، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.**
- ۸- ساعی، احمد، ۱۳۸۱، **مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت، چاپ پنجم.
- ۹- سیف زاده، سیدحسین، ۱۳۸۱، **اصول روابط بین‌الملل الف و ب**، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
- ۱۰- طباطبائیان، سیدحییب...، ۱۳۸۷، **همایش تدوین نقشه جامع علمی کشور**، ۱۳۸۷، تهران، مرکز تحقیقات سیاست‌های علمی کشور، چاپ اول.
- ۱۱- قوام، سیدعبدالعلی، ۱۳۸۴، **روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
- ۱۲- کاپلینسکی، رافائل، کوپر، چارلز، ۱۳۷۴، **تکنولوژی توسعه در سومین انقلاب صنعتی**، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- ۱۳- گن زیر، آیرن، ۱۳۶۹، **کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم**، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر سفید، چاپ اول.
- ۱۴- نصیری، حسین، ۱۳۸۴، **توسعه و توسعه پایدار**، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات دایره سبز، چاپ دوم.
- 15- Carmen, Raff, 1996, **Autonomous Development**, Zad books: London and New Jersey.
- 16- Elliott, Jenifer A, 1994, **An Introduction to sustainable development The Developing world**, Rout ledge: London and New York.
- 17- George, Vic, 1988, **Wealth poverty and starvation**, Stmartins press : New York.
- 18- UNESCO, 1998, **Learning The Treasure within Report to UNESCO of the International commission on Education for the Twenty- First century**, UNESCO publication : Paris
- 19- [www.Ided.Stat.Tu.us](http://www.Ided.Stat.Tu.us)
- 20- [www.iranculture.org/COMMISSION/CSCM\\_MAP/Files%5CFULL\\_MAP\\_P3\\_870828.pdf](http://www.iranculture.org/COMMISSION/CSCM_MAP/Files%5CFULL_MAP_P3_870828.pdf)
- 21- [www.kiedanren.org.jp,JAPAN2025](http://www.kiedanren.org.jp,JAPAN2025).
- 22- [www.sharifthinktank.com/HTML/Vision.htm](http://www.sharifthinktank.com/HTML/Vision.htm)